

تقویم مهریه به نرخ روز

سید مهدی دادرزی*

مریی گروه خصوصی دانشگاه قم

پذیرش: ۸۳/۱۰/۱۲

دریافت: ۸۲/۲/۱۴

چکیده

به موجب تبصره (الحاقی ۱۳۷۶) ماده ۱۰۸۲ ق.م. با استفاده از قالب نوین « رعایت شاخص قیمت سالانه» مهریه قابل تقویم به نرخ روز دانسته شده است. البته این قالب با قالبهای «خسارت تأخیر تادیه» و «شرط ضمن عقد» تفاوت دارد که با معرفی و مقایسه آنها با یکدیگر، این تمایز را نشان داده‌ایم. همچنین برای به نرخ روز درآوردن مهریه، شرایط ماهوی و شکلی ویژه‌ای در قوانین پیش‌بینی شده است که بررسی از آنها، مقصود اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد. در این راستا، ابهامات و سؤالات چندی را نیز مطرح ساخته و تلاش کرده‌ایم با عنایت به سابقه قانونی بحث و تکیه بر مبنای نظری مسأله و نیز استمداد از قواعد تفسیر قانون، پاسخهای مناسبی ارائه کنیم.

کلیدواژه‌ها: مهریه، نرخ روز، خسارت تأخیر تأدیه، شاخص قیمت، وجه رایج.

۱- مقدمه

در خصوص تقویم مهریه به نرخ روز در قوانین پیش از انقلاب اسلامی سابقه‌ای ملاحظه نگردید. از مطالعه مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی به دست می‌آید که اصل پیشنهاد تصویب قانون مزبور در مجلس پنجم و به عنوان «طرح الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ ق.م. در خصوص مهریه» به شماره ترتیب چاپ (۳۲۶) توسط تعدادی از نمایندگان محترم وقت ارائه گردید که گزارش شور دوم آن از سوی مخابر کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس در جلسه ۹۴ مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۷۶/۴/۸ مطرح شد. در ابتدا، محتوای طرح در قالب «شرط ضمن عقد» پیشنهاد شد که این پیشنهاد بنا به

* E-mail: dadmarzism@yahoo.com



دلایلی و از جمله، حل نکردن مشکل ازدواجهای گذشته که در آنها شرط «محاسبه مهریه به نرخ روز» درج نشده بود رد گردید. آنگاه مفاد طرح به طور مستقل و به انگیزه تأمین قدرت خرید پول، ولی بر مبنای محاسبه ارزش طلا و سکه (بهار آزادی) ارائه شد که این راه حل نیز به جهت بی معنا بودن تقویم به طلا با وجود بانک مرکزی رأی نیاورد. در ادامه، اضافه کردن قیودی چون «مطالبه زن» و «تمکن شوهر» نیز مطرح گردید که آنها نیز پذیرفته نشد. سرانجام ماده واحده‌ای در قالب دو تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ ق.م. به شرح زیر به تصویب اکثریت قاطع نمایندگان رسید:

«تبصره ۱: چنانچه مهریه وجه رایج باشد، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد».

«تبصره ۲: دفاتر ازدواج موظفند رعایت شاخص قیمتها را ضمن عقد نکاح شرط نمایند. آیین نامه اجرایی این ماده واحده حداکثر ظرف مدت سه ماه از تصویب این قانون توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید» [۱، صص ۳۳-۳۹].

این مصوبه، مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفت که گزارش آن همراه نظریه اصلاحی کمیسیون امور قضایی در جلسه ۱۰۷ مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۷۶/۴/۲۹ ارائه گردید. در جلسه مزبور ایراد شورای نگهبان این گونه قرائت شد: «اطلاق تبصره‌ها به مورد عدم تراضی طرفین، مطابق موازین شرع شناخته نشد». از دقت در متن اظهار نظر شورای نگهبان چنین استفاده می‌شود که ظاهراً شورا با تاسی از نظر مشهور در فقه، پول را از اموال مثلی دانسته، ولی جبران کاهش ارزش پول را از طریق شرط ضمن عقد (تراضی طرفین) ممکن می‌داند و چون مصوبه مجلس برای هر دو صورت تراضی و عدم تراضی بر چنین امری، مهریه را قابل تقویم به نرخ روز دانسته بود به آن ایراد کرد. در جلسه مذکور بار دیگر مسأله کاهش قدرت خرید پول و اینکه طرح مزبور در واقع کاشف قدرت خرید مهریه است که ملاحظه آن نیازمند شرط ضمن عقد نیست مورد تأکید واقع شد. در نتیجه بحثهایی که در این جلسه به عمل آمد و بنا به پیشنهاد کمیسیون رسیدگی کننده، متن تبصره ۲ طرح اصلاح و با تبصره ۱ ادغام گردید و در شکل فعلی آن از تصویب نمایندگان گذشت و به تأیید شورای نگهبان رسید [۲، ص ۲].

در گزارش زیر، نحوه تصویب این طرح در جلسه شورای نگهبان، از زبان یکی از

حقوقدانان وقت آن شورا چنین گزارش شده است: «... بنای شورای نگهبان بر این بوده و هست که اگر قانونی رأی مغایر آورد، مغایرتش به مجلس اعلام بشود تا مجلس بداند که در چه زمینه‌هایی باید اصلاح کند، اما اگر اکثریت، آن را مغایر نشناخت باید تأیید شده تلقی گردد... البته در... زمان حضور آیه... صافی در شورا و مطابق مبنای ایشان، رویه این بود که در مورد مسائل فقهی، مجوز شرعی لازم است و این مجوز با رأی مثبت اکثریت فقها است که تعیین می‌شود. در غیر این صورت به مجلس اعلام می‌شد که به تأیید نرسید. در مورد بعضی قوانین نیز به همین ترتیب عمل شد که سوابق آن منتشر شده است... ولی بالاخره به دلیل برخورد با مشکلاتی که مبنای یاد شده در عمل ایجاد می‌کرد به این نتیجه رسیدیم که در خصوص مسائل فقهی نیز مانند مسائل حقوقی مربوط به قانون اساسی عمل شود؛ به این ترتیب که اگر اکثریت نظر مغایر ندادند ولو نظر موافق هم ندادند، تأیید شده قلمداد گردد. در مورد قانون تقویم مهریه به نرخ روز نیز به همین نحو عمل شد؛ یعنی قانون مزبور مغایر شناخته نشد...» [۳].

یکی از فقهای شورای نگهبان به نحو روشنتری به قضیه اشاره کرد، می‌گوید: «... در مورد تبصره ۱ ماده ۱۰۸۲ ق.م. از بین شش فقیه عضو شورا، سه نفر اصرار داشتند که این تبصره مخالف موازین شرع است، اما سه نفر دیگر یا ممتنع بودند یا موافق. از این رو چهار نظر که آن را مخالف موازین شرع بداند فراهم نیامد...» [۴].

تلاش اصلی در این مقاله روشن ساختن زوایای تبصره (الحاقی ۱۳۷۶) ماده ۱۰۸۲ ق.م. و آیین نامه اجرایی آن (مصوب ۱۳۷۷) و پاسخ به پرسشهایی است که در باب این دو متن قانونی مطرح یا قابل طرح است. از این رو، مباحث آغازین مقاله را باید زمینه ساز نیل هر چه بهتر به این مقصود قلمداد کرد. اما پرسشهایی که در خصوص موضوع مقاله قابل طرح است و تلاش می‌شود در ضمن بحث، پاسخ آنها ارائه گردد به این قرار است:

- آیا نوع عقد نکاح از لحاظ دوام و انقطاع در مسأله تأثیر دارد؟
- آیا این بحث به سایر آثار مالی نکاح غیر از مهریه، قابل تسری است؟
- آیا انحلال نکاح و اقسام اسباب مربوط به آن در این باره دخالت دارد؟
- آیا مهریه‌های مربوط به ازدواجهای گذشته قابل تقویم به نرخ روز هستند؟
- اگر زنی مهریه خود را به غیر نرخ روز دریافت کرده باشد می‌تواند مابه‌التفاوت آن را به نرخ روز مطالبه کند؟
- آیا این بحث ناظر به مهریه‌های نقدی است؟



- آیا مهریه‌هایی که وجه نقد، ولی به پول غیر رایجند؛ اعم از پولهای خارجی یا پولهای قدیمی، قابل تقویم به نرخ روز هستند؟
- آیا میان انواع مهر و وضعیت حقوقی زن از لحاظ تفویض بضع و مهر، در اصل مسأله تفاوتی وجود دارد؟
- آیا تمکن و عدم تمکن زوج نسبت به تأدیه مهر و فاحش بودن افت ارزش پول و عدم آن تأثیری بر بحث دارد؟
- آیا حال یا مؤجل بودن مهریه باعث تفاوت در محاسبه می‌شود؟ و در این میان، مطالبه و عدم مطالبه زن چه نقشی دارد؟
- نحوه محاسبه به نرخ روز چگونه است و راز تفاوت اعداد شاخص اعلامی در چیست؟
- آیا تقویم مهریه به نرخ روز از قواعد آمره است؟
- آیا مجرد قرار دادن وجه نقد در مهریه همواره سبب موضوعیت یافتن آن می‌شود و لازم است به نرخ روز محاسبه گردد؟

۲- مبنای فقهی- حقوقی ضمان ناشی از کاهش ارزش پول

در میان بزرگان فقه شیعه معروف است که نقدینه، مثلی است و بنابراین کاهش ارزش پول به ضمان در نمی‌آید و ضمان آنها به مثل است، نه به بهاء. مدرک این حکم، عرف و سیره و ارتکاز عقلا ذکر گردیده و گفته شده آنچه در روایات آمده ناظر بر موردی است که موضوع آن پول حقیقی (طلا و نقره) است، نه پول اعتباری. از طرفی نیز چون فقیهان، قیمت و بهای بازار را امری اعتباری و جدا از خود شیء می‌دانند، آن را صفتی از صفات حقیقی کالا به شمار نمی‌آورند و در نتیجه، هر کس به هر ترفند باعث نزول بهای کالا شود ضامن نیست. البته از جنبه فقهی، راههایی برای اثبات ضمان کاهش ارزش پول مطرح و مورد نقادی واقع شده است [۵، صص ۶۲، ۴۷۰، ۴۹۸؛ ۶، صص ۵۲-۹۹؛ ۷، صص ۶۵-۱۱۶].

در هر حال، یکی از راههای مناسب برای اثبات ضمان کاهش ارزش پول آن است که پول را در عین حال که مثلی می‌دانیم، این ویژگی را هم بر جنس پول و هم ارزش و توان خرید آن استوار سازیم. در این تلقی، توان خرید، حیث تقییدی پول واقع و ارزش مبادله از اوصاف حقیقی پول محسوب می‌شود و دیگر از حقیقت آن خارج نمی‌ماند تا گفته شود از نظر عرف،

قدرت خرید، مال خارجی نیست.

از دیدگاه حقوقی نیز شاید جدیدترین تلاش در این باره، تحلیلی است که هماهنگ با مذاق فقهی یاد شده مقرر می‌دارد: «امروز دیگر طلا، پول حقیقی نیست و اسکناس، نماینده فلزات یا جواهرات... متعلق به یک کشور نمی‌باشد. پول در مفهوم امروزی، یک ارزش اعتباری و غیر عینی مبادلاتی است که اسکناس نماینده واحد آن می‌باشد... این ارزش مبادلاتی ممکن است با گذشت زمان، کاهش یا به‌طور استثنایی افزایش یابد... هر چند البته ارزش پول تا حال حاضر مستمراً کاهش داشته است. در نتیجه، مقدار پول موجود در صد ریال زمان حاضر، همان مقدار پول صد ریال زمانهای گذشته نیست و به تدریج کاهش یافته است، اگر چه همان نام (صد ریال) را برای خود حفظ کرده است...» [۸، ص ۴۴].

ابهام در تصویر ماهیت پول در معنای امروزی آن و اختلاف فقهی بر سر مبنای ضمان ناشی از کاهش ارزش آن باعث بروز اختلاف در فتاوی مراجع تقلید نیز گردیده است. عده‌ای با پیروی از نظر مشهور-البته اگر بتوان چنین شهرتی را محقق پنداشت - به صراحت فتوا داده‌اند که کم شدن ارزش پول در مقدار دینی که از پیش در قالبی چون مهریه به ذمه آمده است نقشی ندارد و همان مبلغی که در ابتدا به ذمه آمده باید پرداخت شود [۹، ص ۱۶]. با وجود این، یکی از مراجع در پاسخ به سؤال ریاست وقت کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس، در بحبوحه طرح الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ ق.م.م.م. مرقوم داشته است: «در... موارد کلی و اشتغال ذمه به نقد رایج، ما فی‌الذمه نقد است با مالیتش که همان قدرت خرید در آن زمان می‌باشد... بناء علی‌هذا در... باب مهر، آنچه را که زوجه طلبکار است و ذمه زوج به آن مشغول است همان مقدار از نقد رایج است که در عقد آمده با قدرت خرید در آن زمان، و امروز هم باید از نقد رایج از باب مهر به قدری پرداخت گردد که همان قدرت خرید را تأمین نماید تا از عهده ضمانت به مثل عرفی... بیرون آمده باشد...» [۱۰، ص ۱۲۷۸].

در این میان، عده‌ای از مراجع که گویی در مقام داوری میان نظریه‌های مدرسی و نیازهای عینی جامعه نتوانسته‌اند به لحاظ نظری به فتوای روشنی برسند، از باب احتیاط واجب، حکم به لزوم تصالح کرده‌اند تا بدین طریق، رضایت طرفین (دائن و مدیون) تأمین گردد [۱۱، ص ۶۳۲]. بزرگانی نیز بدون ورود در اصل تبیین ماهیت پول، قائل به تفصیل شده، فرموده‌اند: «اگر (وجه نقد) طریق است به کالای مخصوص، در حقیقت مالیت را مهر قرار داده، باید قیمت آن روز را بدهد و اگر موضوعیت داشته، وجه رایج امروز کافی است» [۱۲، ص ۱۹۲].



۳- قالبهای قانونی قابل عرضه در راستای جبران کاهش ارزش پول

به نظر می‌رسد جبران کاهش ارزش پول در سه قالب قانونی و حقوقی «خسارت تأخیر تأدیه»، «شرط ضمن عقد» و «رعایت تغییر شاخص قیمت سالانه» دارای سابقه است. آوردن این قسمت بحث از این رو اهمیت دارد که مشخص می‌سازد قانونگذار در تبصره (الحاقی سال ۱۳۷۶) ماده ۱۰۸۲ ق.م. (تقویم مهریه به نرخ روز) به کدام یک از این قالبها نزدیک شده است تا به استناد لوازم آن بتوان بخشی از ابهامات و پرسشهای مطرح در باب قانون مزبور را پاسخ گفت یا انتقاداتی را بر آن وارد ساخت.

۳-۱- خسارت تأخیر تأدیه

خسارت تأخیر تأدیه را «خسارت دیرکرد» و «خسارت تأخیر ادا» نیز نامیده‌اند [۱۳، ج ۳، صص ۱۸۱۲، ۱۸۱۵].

به نظر می‌رسد، خسارت تأخیر تأدیه به مفهومی که به طور مشخص در ماده ۷۱۹ ق.م.آ.د.م. سابق پیش‌بینی شده بود در بستر جبران کاهش ارزش پول ولو از برخی جهات قابل ارائه باشد. از این رو، ملاحظه می‌شود که شورای عالی ثبت در رأی شماره ۲۵۶ مورخ ۱۳۴۳/۹/۱۹ مهریه نقدی را از حیث استحقاق خسارت تأخیر تأدیه آن، نظیر سایر مطالبات نقدی دانسته است [۱۴، ج ۳، ص ۳۱۴].

خسارت تأخیر تأدیه به این معنا جدا از خسارتی است که به لحاظ تأخیر پرداخت، ولی به واسطه مستند بودن آن به اسباب قانونی ایجاد مسئولیت، قابل مطالبه است. آنچه در ماده ۲۲۸ ق.م. آمده می‌تواند به معنایی غیر از آنچه در ماده ۷۱۹ ق.آ.د.م. سابق مراد بوده قابل حمل باشد. در تأیید این تفکیک شاید بتوان گفت که به موجب ماده ۷۲۵ ق.آ.د.م. سابق، مجرد تأخیر در پرداخت برای مطالبه خسارت کافی بود در حالی که برای برخورداری از حکم ماده ۲۲۸ ق.م. آنچه مهم است اثبات تأخیر نیست، بلکه اثبات تحقق خارجی خسارتی است که تأخیر در پرداخت، سبب آن بوده است. البته نگارنده واقف است که این برداشت خلاف برداشت جمهور حقوقدانان ایران است؛ چه تقریباً تمام ایشان ماده ۲۲۸ ق.م. را ناظر به همان بحث خسارت تأخیر پرداخت، مذکور در قانون آیین دادرسی مدنی (سابق) دانسته‌اند [۱۵، ج ۱، صص ۲۴۸-۲۵۲؛ ۱۶، ج ۴، صص ۲۶۱-۲۸۲؛ ۱۷، صص ۲۴۴-۲۴۵؛ ۱۸، ص ۱۹؛ ۱۹، ص ۲۰۰]. در این میان، بعضی از قدمای شارحان قانون مدنی، ذیل ماده ۲۲۸ سه وجه را ذکر کرده‌اند

[۲۰، صص ۲۰۶-۲۰۷]. بعضی از حقوقدانان محقق معاصر نیز تردید عالمانه را بر اظهار نظر صریح ترجیح داده‌اند [۸، ص ۴۳].

به هرحال، باب دهم از قانون آیین دادرسی مدنی سابق (مصوب ۱۳۱۸/۶/۲۵) تحت عنوان «در خسارت و اجبار به انجام تعهد» در پنج فصل مصادیقی از خسارتهای قابل مطالبه را در مواد ۷۰۹ تا ۷۲۹ متعرض شده بود. یکی از این موارد که در ضمن مواد ۷۱۹ تا ۷۲۶ بیان شده بود «خسارت تأخیر تأدیه» نامیده می‌شد که دارای سیرتاریخی مشخص است [۱۵، صص ۲۴۸-۲۴۹]. به موجب ماده ۷۱۹ قانون یاد شده در دعاوی‌ای که موضوع آنها وجه نقد بود، خسارت تأخیر تأدیه، معادل صدی داوزده (۱۲٪) محکوم به در سال تعیین می‌گردید. شایان ذکر است که به موجب ماده ۵۶۲ قانون تجارت سال ۱۳۱۰ نرخ خسارت مزبور در خصوص طلبکاران تاجر ورشکسته ۷ درصد طلب تعیین گردیده بود [۲۱، صص ۱۸۲-۱۸۴]. در این خصوص بدون ورود در ماهیت خسارت تأخیر تأدیه و مقایسه آن با بعضی عناوین مشابه می‌توان اظهار داشت که تا اندازه‌ای نگرانیهای ناشی از کاهش ارزش پول با دریافت خسارت تأخیر تأدیه برطرف می‌گشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شورای نگهبان در نظریه‌های متعدد به خلاف شرع بودن خسارت تأخیر تأدیه تأکید ورزید و آن را «ربا» دانست و به‌طور صریح مواد ۷۱۹ تا ۷۲۶ ق.آ.د.م. را خلاف شرع معرفی کرد. پافشاری شورای نگهبان در این مورد تا بدان حد بود که طی نظریه‌های جداگانه به عناوین جزئی‌تر خسارت تأخیر تأدیه در موارد مشخص مانند «خسارت تاخیر تأدیه وجه چک» و «خسارت تأخیر تأدیه در مقررات ثبتی» پرداخته، مغایرت آنها را با موازین شرعی گوشزد کرد [۲۲، صص ۸۹۹-۹۰۴؛ ۲۳، ص ۲۲۴؛ ۲۴، صص ۱۱۱-۱۱۳].

همین موضع گیریهای شورای نگهبان باعث گردید تا در عمل، دعاوی خسارت تأخیر تأدیه در محاکم پذیرفته نشود و حتی تصمیمات مراجع تعیین وحدت رویه به سوی نامشروع قلمداد کردن خسارت یاد شده جهت یابد که در این باره می‌توان به رأی وحدت رویه شماره ۲۰۰-۱۳۶۹/۹/۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری [۲۵، صص ۹۰۵-۹۰۶] و رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۶۲۷-۱۳۷۷/۶/۳۱ [۲۶، ص ۹۰۷] اشاره کرد. البته در نتیجه تصویب «قانون اصلاح قانون صدور چک بلامحل» در تاریخ ۱۳۷۲/۸/۱۱ توسط مجلس و تأیید آن در تاریخ ۱۳۷۲/۸/۱۹ از سوی شورای نگهبان، ماده ۱۲ «قانون صدور چک بلامحل» که خسارت تأخیر تأدیه را تجویز می‌کرد دست نخورده باقی ماند و همین امر



باعث شد تا قائم مقام وقت رئیس کل دادگستری استان تهران طی نامه شماره ۴۶۱۳۳/۱۹ مورخ ۱۳۷۴/۱۲/۲۷ مراتب را از فقهای شورای نگهبان سؤال کند. دبیر شورای نگهبان نیز در تاریخ ۱۳۷۶/۳/۱ طی نامه شماره ۵۱۲/۲۱/۷۶ خطاب به رئیس وقت قوه قضائیه، نظر فقهای شورای نگهبان را مبنی بر نامشروع بودن خسارت تأخیر تأدیه وجه چک بلامحل اعلام داشت [۲۳، ص ۲۷۷]. خاطر نشان می‌شود بررسی سابقه امر نشان می‌دهد که شورای نگهبان هرگز به‌طور صریح و جداگانه به مفاد ماده ۱۱ قانون صدور چک بلامحل سال ۱۳۵۵ پرداخته و آن را به عنوان ماده ۱۲ در قانون سال ۱۳۷۲ ملاحظه و تأیید نکرده است؛ زیرا اساساً در قانون مصوب مجلس مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۱ ماده مزبور مسکوت مانده بود ولی در نتیجه اصلاحات به عمل آمده در قانون سال ۱۳۵۵ و اضافه شدن یک ماده به آن، به‌طور قهری ماده ۱۱ آن به ماده ۱۲ تغییر یافت و چون حذف نگردیده بود علی القاعده بدون اصلاح در متن قانون باقی ماند [۲۷، صص ۵۳۵-۵۳۸].

شاید همین مکاتبه بود که باعث شد شورای نگهبان در بررسی مصوبه ۱۳۷۵/۱۲/۱۲ مجلس شورای اسلامی در خصوص «الحاق یک تبصره به ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۲/۸/۱۱» همسو با نظریه‌های پیشین خود در باب خسارت، آن را رد کند. البته با اصرار مجلس بر نظر خود، بررسی مراتب به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شد و مجمع نیز در ۱۳۷۶/۳/۱۰ آن را از تصویب گذراند. شایان ذکر است که در مجموعه قوانین سالانه [۲۳، صص ۲۸۹-۲۹۰] به اشتباه، تاریخ «قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی» (مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۸) که پس از تأیید شورای نگهبان در روزنامه رسمی شماره ۱۶۰۷۰ - ۱۳۷۹/۲/۱۱ منتشر گردید، قانون کهنسال و مفصل آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸ و الحاقات و اصلاحات آن به‌طور صریح نسخ گردید. در قانون آیین دادرسی جدید در فصل «خسارات» که تقریباً عنوان آن معادل عنوان باب دهم قانون آیین دادرسی سابق است، متنی در قالب ماده ۵۲۲ اضافه شد که معادل آن در قانون سابق وجود نداشت. نظر به اهمیت مطلب، متن این ماده ذکر می‌شود:

«ماده ۵۲۲. دعاوی‌ای که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و

مورد حکم قرار خواهد داد، مگر اینکه طرفین به نحوه دیگری مصالحه نمایند». در جدیدترین تألیف یکی از اساتید آیین دادرسی مدنی، ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. در راستای خسارت تأخیر تأدیه ارزیابی شده است [۲۸، ج ۱، ص ۴۲۸]، در حالی که خواهیم گفت ماهیت قالب «رعایت تغییر شاخص قیمت سالانه» به معنای دقیق آن، برآورد ارزش واقعی دین است، نه خسارت. افزون بر این، شرایطی چون مطالبه دائن، تمکن مدیون، تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه، در این ماده پیش‌بینی شده است که هیچکدام با راهکار رعایت تغییر شاخص به معنای دقیق آن که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت سازگاری ندارد.

۳-۲- شرط ضمن عقد

در بحث از تعدیل قراردادی، آنجا که سخن از شروط تعدیل کننده به میان می‌آید، درج شرطی که به نوعی جبران کننده کاهش ارزش پول است مطرح می‌شود. گفته شده: اگر شروطی که به منظور پرهیز از کاهش ارزش پول و تعدیل خودبه خود قرارداد مورد توافق قرار می‌گیرد با قوانین ارزی و تجارت خارجی برخورد نداشته باشد، نفوذ حقوقی دارد، خواه تعهد ناظر به پرداخت سکه‌های طلا یا معادل بهای طلا باشد یا ارزشهای خارجی یا کالاها و خدمات [۲۹، ج ۲، صص ۴۰-۴۲، ج ۳، ص ۷۵].

پیش از این به موضع گیریهای سرسختانه شورای نگهبان در برابر خسارت تأخیر تأدیه اشاره کردیم. با این وصف، وقتی رئیس کل بانک مرکزی طی نامه شماره ۴۰۹۵ هـ - ۱۳۶۱/۱۱/۲۸ از مشروعیت قالب شرط ضمن عقد برای دریافت خسارت تأخیر تأدیه سؤال می‌کند، شورای نگهبان موافقت خود را با اساس چنین تمهیدی اعلام می‌دارد [۳۰، صص ۴۱۸-۴۱۹].

همچنین به هنگام طرح فتاوی فقیهان در باب جبران کاهش ارزش پول مشخص شد که به نظر برخی از مراجع عظام، همان مقدار که در ابتدا بر ذمه مدیون آمده باید به دائن پرداخت گردد و حتی دیدیم که چنین نظری به «مشهور!» نیز اسناد داده شده است. با این حال وقتی نگارنده به طور شخصی و مکتوب از دفاتر دو تن از مراجع معتقد به این مبنا پرسیدم «... با شرط کردن می‌توان کاهش ارزش مهریه را ملحوظ داشت یا خیر؟» یک دفتر در پاسخ مرقوم کرد: «مانع ندارد» [۳۱] و دفتر دیگر پاسخ داد: «اگر در شرط، معین کند که ملاک ارزش پایین آمدن با مقایسه چه چیزی باشد اشکال ندارد» [۳۲]. مبنای چنین پاسخی را می‌توان عموم ادله شروط و نامشروع نبودن چنین شرطی قلمداد کرد [۳۳، صص ۳۳-۳۴].



نکته قابل توجه در این مورد آن است که پذیرفتن تعدیل از طریق شرط ضمن عقد، اگر چه همانند قالب خسارت تأخیر تأدیه تا حدودی می‌تواند نگرانیهای ناشی از کاهش ارزش پول را جبران سازد، ولی نمی‌توان آنها را به معنای دقیق کلمه بازگو کننده ارزش واقعی پول که همان قدرت خرید نهفته در آن است، دانست؛ زیرا گذشته از مشخص نبودن معیار این بر آورد، اصولاً منوط کردن محاسبه آن به درج چنین شرطی ناموجه خواهد بود، چه آنکه اگر بنا است از ابتدا قدرت خرید پول به ذمه مدیون بیاید، شرط و عدم شرط نمی‌تواند تأثیری بر آن داشته باشد.

۳-۳- رعایت تغییر شاخص قیمت سالانه

از آنچه گذشت به دست می‌آید که دو قالب پیش گفته، اگر چه به نوعی می‌تواند تأمین کننده کاهش ارزش پول باشد، ولی به طور قطع بر اساس یک مبنای نظری در باب ضمان کاهش ارزش پول، که قانونگذار را به رعایت تمام لوازم آن متعهد سازد، سامان نیافته است. به همین دلیل در تنظیم راهکارهای مزبور از عباراتی که به نوعی این معنا را برساند استفاده نشده و حدود و قیودی نیز که برای آن ذکر شده، مثل تحدید قاطعانه رقم ۱۲ درصد برای برآورد خسارت تأخیر تأدیه و لزوم اشتراط شرطی که مبین این معنا در تعدیل قراردادی است، هیچیک، با مبنای نظری ضمان ناشی از کاهش ارزش پول سازگاری ندارد. با این حال، نگرانیهایی که در پس چنان تمهیداتی وجود داشت در کنار مشروعیت بخشیدن به قالبهای حقوقی که در این راستا به کار گرفته می‌شد، باعث ابداع شیوه‌ای گردید که باید آنها را به نوعی در تاریخ حقوق موضوعه ایران بی‌نظیر دانست و از دستاوردهای مفید قانونگذاری پس از پیروزی انقلاب اسلامی به شمار آورد.

تصویب قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ ق.م. در تاریخ ۱۳۷۶/۴/۲۹ توسط مجلس شورای اسلامی و تأیید آن در تاریخ ۱۳۷۶/۵/۸ از سوی شورای نگهبان [۲۳، ص ۴۴۲] نخستین تلاش قانونی به ثمر رسیده در این راستا است که در آن به صراحت از عبارت «متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه» استفاده شده است. در آیین نامه اجرایی این قانون (مصوب ۱۳۷۷/۲/۱۳ هیأت وزیران)، اصطلاح «شاخص قیمت سالانه» به «شاخص بها» تعبیر شده است [۲۶، صص ۳-۴].

سرانجام ضرورت کارامدی قوانین در کنار دغدغه مشروعیت آن، باعث شد تا دوباره ابهاماتی در خصوص امکان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه وجه چک - که شرح آن گذشت -

مطرح شود که زمینه ساز تصویب قانون استفساریه تبصره مورد اشاره از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۷۷/۸/۲۱ گردید. در اینجا مجمع احتمالاً با بهره‌برداری از سابقه مربوط به تصویب تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م. عبارت «محاسبه خسارت تأخیر تأدیه برمبنای نرخ تورم» را وارد متن مصوبه خود کرد [۲۶، ص ۶۰۶]. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که با وجود این تصریح قانونی، نظریه‌های پیشین شورای نگهبان در باب نامشروع بودن خسارت تأخیر تأدیه چگونه باید ارزیابی شود؟ یک پاسخ ساده این است که تمام آنها مربوط به پیش از تاریخ تصویب این قانون و آخرین آنها به شرحی که گذشت، مربوط به سال ۱۳۷۶ است و بنابراین به موجب حکم قانون سال ۱۳۷۷ (قانون لاحق) حداقل در خصوص خسارت تأخیر تأدیه وجه چک، نظریه‌های پیشین شورای نگهبان که ناظر به قوانین سابق بوده منسوخ است. با این حال باید توجه داشت اگرچه مجمع تشخیص مصلحت نظام در ماده تفسیری یاد شده از عبارت «خسارت تأخیر تأدیه» به عنوان اصطلاحی متعارف در حقوق بومی و حتی رویه بانکهای ایران استفاده کرده، ولی با برداشتن یک گام به جلو، درصد برآمده تا این معنا را منتقل سازد که رعایت نرخ تورم، ابزاری است برای کشف ارزش واقعی چک، نه خسارت تأخیر تأدیه به معنایی که موهم ربا باشد و بارها نامشروع بودن آن مورد تأکید واقع شده است. پرسش دیگر قابل طرح این است که چه تفاوتی میان مهریه یا وجه چک وجود دارد که مطالبه خسارت تأخیر تأدیه یا جبران کاهش ارزش پول در مورد آنها مشروع شناخته می‌شود و در سایر موارد همچنان نامشروع است؟ در مورد وجه چک نیز چه تفاوتی میان تأخیر در ادای وجه آن با تأخیر در پرداخت هزینه دادرسی یا حق الوکاله وکیل وجود دارد که فقط اولی قابل مطالبه شناخته شده است؟

شاید وجود همین پرسش باعث شد تا در قالب ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (مصوب ۷۹/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی) ماده‌ای به تصویب و تأیید شورای نگهبان برسد که پیش از این در قوانین دادرسی ما و به طور مشخص قانون آ.د.م. سال ۱۳۱۸ مانندی نداشته است. در این ماده از هر دینی که از نوع وجه رایج است سخن به میان آمده و گفته شده: پس از مطالبه دائن و تمکن مدیون و امتناع دائن از پرداخت و نیز تغییر فاحش قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی تعیین می‌گردد حکم صادر می‌کند.

ملاحظه می‌شود که در تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م. و در قانون تفسیری مجمع از تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک و در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی به ترتیب از



عبارات «شاخص قیمت سالانه»، «نرخ تورم» و «شاخص سالانه» استفاده شده است و در هر سه مورد «بانک مرکزی» به عنوان مرجع تعیین شاخص معرفی شده که همگی می‌تواند به یک معنا و در راستای کاربردی شدن تحلیل فقهی - حقوقی که درباره جبران کاهش ارزش پول یادآور شدیم در نظر گرفته شود. با این حال، جدید بودن این راهکار و غیر کارشناسی عمل کردن مجلس! باعث شد تا در این موارد به یک ترتیب عمل نشود. از این رو می‌بینیم که وجود تبعیت هر سه قانون از مبنای یکسان حقوقی، در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. (۱۳۷۹) قیودی در نظر گرفته شده که از آنها در خصوص تقویم مهریه به نرخ روز و یا مطالبه دیرکرد وجه چک، نکری به میان نیامده است. ما در ادامه و به هنگام بحث از شرایط تقویم مهریه به نرخ روز، از رابطه تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م. و ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. جدید و رفع شبهه نسخ قانون سابق توسط قانون لاحق - باتمسک به قاعده اصولی تخصیص - سخن خواهیم گفت.

۴- شرایط تقویم مهریه به نرخ روز

از مباحث گذشته به دست آمد که تنها مستند قانونی تقویم مهریه به نرخ روز، تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م. (مصوب ۱۳۷۶/۴/۲۹ مجلس شورای اسلامی) و آیین‌نامه اجرایی آن است. از این رو برای تعیین شرایط چنین محاسبه‌ای لازم است تبصره یاد شده را همراه با آیین‌نامه اجرایی آن به‌طور کامل از نظر گذرانده، در مفاد آن دقت کنیم.

ماده ۱۰۸۲ ق.م. مقرر می‌دارد: «به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید».

تبصره: «چنانچه مهریه، وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد، محاسبه و پرداخت خواهد شد، مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگر تراضی کرده باشند.

آیین‌نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب، توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید [۲۳، ص ۴۴۲].

آیین‌نامه اجرایی تبصره مزبور در ۷ ماده در تاریخ ۱۳۷۷/۲/۱۳ به تصویب هیأت وزیران رسید [۲۶، ص ۴-۳]. البته ماده ۶ این آیین‌نامه به موجب رأی هیأت عمومی دیوان عدالت

اداری حذف گردیده است که به موقع مورد اشاره قرار می‌گیرد. وفق ماده ۲ آیین‌نامه مزبور، فرمول محاسبه مهریه به نرخ روز عبارت است از: متوسط شاخص بها در سال قبل، تقسیم بر متوسط شاخص بها در سال وقوع عقد، ضرب در مبلغ مهریه. ماده ۳ این آیین‌نامه در صورت فوت زوج، تاریخ فوت را مبنای محاسبه قرار داده است.

مطابق ماده ۵ آیین‌نامه، ادارات ثبت نیز در کنار دادگاهها به تقویم مهریه به نرخ روز مکلف شده‌اند. در ماده ۷ آیین‌نامه نیز پیش‌بینی شده است که اگر زوج تقاضای طلاق کند دادگاه باید مهریه را به نرخ روز محاسبه کند. ماده ۴ نیز به تکلیف بانک مرکزی در خصوص استخراج شاخص بها و زمان اعلام آن پرداخته است.

دو متن یاد شده تنها مستندات قانونی راجع به تقویم مهریه به نرخ روز محسوب می‌شوند و همان طور که قبلاً نیز یادآور شدیم مفاد ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. جدید علی‌رغم مطلق بودن موضوع آن (دین از نوع وجه رایج) به دلیل قیودی که برای آن مقرر شده نمی‌تواند به طور کامل با مبنای نظری تقویم مهریه به نرخ روز مطابقت داشته باشد. از این رو، ماده مزبور از مهریه انصراف دارد و یا لاقلاً به دلیل خاص بودن تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م. سال ۱۳۷۶ و عام بودن ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. سال ۱۳۷۹، ماده ۵۲۲ با وجود مؤخر بودن، تخصیص می‌خورد. از جمله دلایل این تخصیص، آن است که قانونگذار می‌تواند در مقام بیان مراد خویش در قالب عام مؤخر، به مفاد خاص مقدم تکیه کند. در چنین مواردی، مخصص ما، حکم مخصص متصل یا قرینۀ حالی را دارد [۲۱، صص ۱۸۲-۱۸۴؛ ۳۴، صص ۲۳۷-۲۳۸؛ ۳۵، ج ۱، صص ۱۹۷-۱۹۸؛ ۳۶، صص ۱۹۷-۱۹۸؛ ۳۷، ج ۱، صص ۳۱۴-۳۱۶؛ ۳۸، ص ۹۵].

در هر حال از مجموع مفاد قانون مزبور و آیین‌نامه اجرایی آن می‌توان استفاده کرد که بخشی از مفاد و شرایط، ناظر به جنبه ماهوی مسأله است و دسته‌ای نیز به بعد شکلی آن توجه دارد.

۴-۱- شرایط ماهوی تقویم مهریه به نرخ روز

مقصود ما از شرایط ماهوی، آن دسته از اموری است که در اصل قابلیت تحقق چنین محاسبه‌ای، قطع نظر از جریان رسیدگی به قضیه در دادگاه، دخالت دارد.

از متن تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م. استفاده می‌شود که موضوع چنین محاسبه‌ای خصوص «مهریه» است؛ و لذا سایر آثار مالی نکاح، مانند نفقه از شمول این حکم خارجند. اگر چه بنا بر مبنای نظری مسأله و با استناد به ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. جدید قاعداً باید بتوان بابت تأخیر در



ادای نفقه گذشته زوجه - نه اقارب - اقدام کرد. از طرفی چون مهریه اختصاص به عقد دائم ندارد و به حکم ماده ۱۰۹۵ ق.م. در عقد موقت نیز حتی با تأکید زیاده‌تر مطرح است و با عنایت به اطلاق کلمه «مهریه» در ماده ۱۰۸۲ و تبصره آن به نظر می‌رسد مهریه مقرر در عقد موقت نیز می‌تواند با رعایت دیگر شرایط، به نرخ روز محاسبه گردد. همچنین از آنجا که به حکم ماده ۱۰۸۲ ق.م. به مجرد عقد، زن مالک تمام مهریه می‌شود و نهایتاً عدم دخول، شرط فاسخ نسبت به مالکیت زوجه بر نصف مهریه قلمداد شده (ماده ۱۰۹۲ ق.م.) گسسته شدن رابطه زوجیت و نیز نوع سبب آن (اعم از طلاق، فسخ، انفساخ، بذل مدت انقضای مدت و فوت) و لزوم رسیدگی قضایی به موارد یاد شده در محاسبه مهریه به نرخ روز دخالت ندارد. به همین علت در ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م. ادارات ثبت نیز مکلف به محاسبه مهریه به نرخ روز شده‌اند. مع‌هذا در مواردی که میزان مهریه در ترتب یک حکم دیگر مؤثر دانسته شده علی‌الاصول باید گفت مقدار محاسبه شده آن به نرخ روز ملاک است. مثلاً مقدار فدیة در طلاق مبارات به حکم ماده ۱۱۴۷ ق.م. نباید از مقدار مهریه بیشتر باشد. حال اگر مهریه‌ای تمام شرایط تقویم به نرخ روز را داشته باشد قاعداً باید مقدار فدیة از میزان به نرخ روز درآمده مهریه، زیاده‌تر نباشد ولو آنکه از مقدار آن در تاریخ عقد بیشتر گردد. همچنین هر جا که مهریه، با تغییر غیر ماهوی مواجه می‌گردد، مثل آنجا که نصف می‌شود، مانند موارد مقرر در مواد ۱۰۹۲، ۱۰۹۷ و ۱۱۰۱ ق.م. لازم است نصف مهریه به نرخ روز محاسبه شود.

از جمله شرایط دیگر در این خصوص آن است که به تصریح تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م. مهریه باید «مهرالمسمی» باشد، یعنی مقدار آن در ضمن عقد نکاح تعیین شده باشد. بنابراین، سایر اقسام مهریه، یعنی مهرالمتعه (مواد ۱۰۹۳ و ۱۰۹۴ ق.م.) و مهر المثل (ماده ۱۰۹۳ ق.م.) قابل محاسبه به نرخ روز نیستند؛ زیرا علاوه بر ظهور مواد یاد شده به خصوص مهر المسمی، به‌ویژه استعمال کلمه «مهریه مندرج در عقدنامه» در ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م. نحوه دخالت عوامل مؤثر در تعیین مهرالمثل و مهرالمتعه به‌گونه‌ای است که عملاً به روز برآورد می‌شوند. در نهایت، اگر پس از معین شدن مقدار ریالی آنها، زوج از ادا امتناع کند مورد، مشمول ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. جدید خواهد شد. همچنین ممکن است بگوییم مفوضه‌المهر (مواد ۱۰۸۹ و ۱۰۹۰ ق.م.) بعد از اظهار نظر داور و مفوضه‌البضعی که پیش از نزدیکی یا فوت احد از زوجین با موافقت زوج، مهریه‌اش را تعیین می‌کند (ماده ۱۰۸۷ ق.م.)، خواه به وجه ملزم یا به نحو شرط ابتدایی [۹، ج ۱، ص ۴۱۶؛ ۳۹، ج ۱، ص ۱۴۲؛ ۴۰، ص ۲۵۲؛

۴۱، ج ۲، ص ۲۶۸]، مصداق موردی است که در خود عقد نسبت به آن تعیین تکلیف شده است. مع هذا با اینکه مهر تعیین شده در این دو صورت، هم در فقه و هم در حقوق، مهر المسمی یا در حکم آن خوانده می‌شود، و آثار مهر المسمی همچون تنصیف در فرض طلاق پیش از نزدیکی بر آنها مترتب می‌شود، لکن مستفاد از ظاهر تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م. این است که مهریه، وجه رایج و به عبارتی مهر المسمی باشد، نه آنکه پس از تعیین بعدی داور یا زوجین - به وجه ملزم یا به طور ابتدایی - مهر المسمی بشود. به نظر می‌رسد به راحتی نتوان از این ظهور دست برداشت، مگر آنکه با استناد به مبنای نظری جبران کاهش ارزش پول و به مدد تفسیر موسع از تبصره مورد بحث، مجرد صدق مهر المسمی را در هر مورد، ولو موخراً با فرض وجود سایر شرایط، کافی برای تسری حکم مزبور بدانیم؛ اگر چه در این صورت برای محاسبه مهریه‌های یاد شده به نرخ روز دیگر نمی‌توان مطابق تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م. شاخص سال وقوع عقد را ملاک قرارداد، بلکه سال تعیین مهر را باید به جای آن در نظر گرفت؛ زیرا در زمان وقوع عقد اصلاً مهریه‌ای نبوده تا در اثر تورم از ارزش آن کاسته گردد و جبران آن موضوعیت یابد. از طرفی نیز چون تنزل قدرت خرید، امری واقعی و غیر اعتباری است نمی‌توان از تعیین بعدی مهریه کشف کرد که حقیقتاً همان مبلغ در زمان وقوع عقد، مهریه بوده و در نتیجه، شاخص سال وقوع عقد ملاک باشد!

از دیگر شرایط منصوص در تبصره مورد بحث، «وجه رایج بودن مهریه» است. می‌دانیم که به موجب ماده ۱۰۸۷ و ۱۰۷۹ ق.م. هر مال معلوم و قابل تملک را می‌توان مهر قرار داد، لکن برای محاسبه مهریه به نرخ روز حتماً باید آن مال، وجه رایج، یعنی ریال و یا تومان باشد. بنابراین اگر زمین یا کالایی دیگر مهر قرار داده شود چون ارزش موجود در آن واقعی است، نه امری اعتباری که معرف قدرت خرید خاصی است، دیگر کاهش ارزشی که جبران آن لازم التدرک باشد مطرح نخواهد بود. همچنین می‌دانیم که مهریه به وجه رایج معمولاً به صورت دین است که به ذمه زوج می‌آید؛ اما جای این سؤال وجود دارد که اگر در موردی، عین وجه رایج خارجی، مهر قرار داده شود، ولی زوج از تسلیم آن به زوجه خودداری ورزد آیا باز هم می‌توان این مهر را به نرخ روز مطالبه کرد یا خیر؟ به نظر می‌رسد تبصره ماده ۱۰۸۲ از این مورد منصرف باشد؛ اگر چه عنایت به ماهیت پول و مبنای نظری مسأله باعث می‌شود در وقوع چنین انصرافی تردید روا داریم. در جایی هم که آموختن حرفه‌ای به عنوان مهریه در نظر گرفته شده و بنا به دلایلی، همچون طلاق پیش از نزدیکی، آن نکاح پایان پذیرفته و آموختن نیمی از آن حرفه نیز مقصود عقلاً نیست، قاعدتاً تا نصف اجرت آموزش



آن حرفه به عنوان مهریه بر ذمه زوج قرار می‌گیرد [۴۲، ج ۵، ص ۳۶۶]. حال اگر اجرت یاد شده به ریال تعیین گردد جای این سؤال وجود دارد که اجرت مزبور با ملاحظه کدام مقطع زمانی برآورد می‌شود: زمان وقوع عقد، زمان وقوع طلاق یا زمان تأدیه؟ از آنجا که به حکم ۱۰۸۲ ق.م. به مجرد عقد، زن مالک مهرالمسمی می‌شود، اگر بگوییم در اینجا نیز مثل آن است که زن مالک معادل ریالی اجرت تعلیم آن حرفه در زمان انشای عقد شده و چون قدرت خرید مندرج در فلان مبلغ ریالی به حسب فرض از زمان عقد تا ادا کاهش یافته است، لذا ممکن است گفته شود: مبلغ یاد شده به همان ترتیب مقرر در قانون به نرخ روز محاسبه می‌گردد؛ لکن این برداشت برخلاف ظهور مستفاد از عنوان «وجه رایج» است که در قانون به کار رفته است.

فرض دیگر موردی است که مهریه، وجه غیر رایج است، خواه ارز خارجی باشد یا پولی داخلی که در شرایط فعلی در ایران رایج نیست، ولو آنکه در زمان‌های گذشته رایج بوده است. سؤال این است که وجه غیر رایج اساساً مالیت دارد و می‌تواند مهر قرار داده شود یا خیر؟ و دیگر اینکه به فرض قابلیت امهار، همچون کالا با آن برخورد شده و غیر قابل تقویم به نرخ روز است یا خیر؟ و سوم اینکه با فرض قابلیت تقویم، اعداد شاخص مقرر در فرمول قانونی برای چنین وجهی چگونه به دست می‌آید؟

در جواب می‌توان گفت: اولاً ارز خارجی یا وجه غیر رایج داخلی - در فرضی که وجود خارجی داشته باشد - مال و مشمول ماده ۱۰۷۸ است. ثانیاً به موجب رأی وحدت رویه شماره ۹۰ مورخ ۱۳۵۳/۱۰/۴ نیز ارز خارجی پول و وجه نقد دانسته شده است، نه کالا؛ ولو آنکه در مبادلات داخلی همواره معادل ریالی آن مقصود است. با این حال به نظر می‌رسد چون تعبیر وجه رایج در قانون، منصوص است، به راحتی نمی‌توان لزوم محاسبه به نرخ روز را نیز به مهریه‌ای که به ارز خارجی قرار داده شده تسری داد. وجه غیر رایج داخلی نیز به کالا ا شبهه است و تقویم آن به نرخ روز منتفی است. البته باز هم مطابق مبنای نظری مسأله و با تفسیری به غایت موسع از تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م. ممکن است گفته شود مهریه‌ای که به ارز خارجی است نیز باید به نرخ روز تبدیل شود؛ لکن گفته شده است که این امر باید با عنایت به شاخصهای بین المللی صورت پذیرد [۴۳، ص ۱۰]، بدون آنکه ساز و کار انجام این مهم تبیین شده باشد. به نظر می‌رسد راه ساده تر این است که یا ابتدا ارز خارجی در زمان وقوع عقد به ریال محاسبه شود و آنگاه مبلغ مزبور داخل در فرمول قرار گیرد و یا آنکه به

یکباره معادل ریالی ارز یاد شده در زمان تأدیه و متناسب با عرف بازار صرافی ایران محاسبه گردد.

از دیگر شرایط امکان تقویم مهریه به نرخ روز، «مسبق نبودن آن به ادا» است. به عبارت دیگر، درست است که مطابق رأی وحدت رویه شماره ۶۴۷ مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۲۸ به تریدهای قضات و اداره حقوقی دادگستری [۴۴، صص ۱۹۶، ۱۹۸] در خصوص امکان عطف به ما سبق شدن قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ ق.م. پایان داده شد و مقرر گردید: «منظور مقنن... با توجه به عبارات صدر تبصره و فلسفه وضع آن، حفظ ارزش ریالی مهریه زوجه است که معمولاً بر حسب وجه رایج (ریالی) تعیین می‌شود؛ اگر چه تاریخ وقوع ازدواج مربوط به زمان قبل از تصویب تبصره مزبور باشد و با این وصف، قانون مرقوم (تبصره الحاقی) با ماده ۴ قانون مدنی مبیئتی ندارد...» [۴۵، ص ۸۶۴]، لکن ظاهر تبصره و آیین نامه اجرایی آن، ناظر به موردی است که مهریه‌ای که به وجه رایج است قبلاً دریافت نشده باشد. لذا مهریه‌ای که دریافت شده، خواه مربوط به عقدهای پیش از تصویب قانون مورد نظر باشد یا پس از آن، قابل تقویم به نرخ روز نیست. رویه دادگاهها نیز دقیقاً با این برداشت موافق است [۴۶، ص ۱۹۷].

همچنین اشاره کردیم طلاق و مانند آن، هیچ دخالتی در مسأله ندارد و از این رو حتی اگر طلاق بعد از تصویب قانون مورد بحث واقع، ولی مهریه قبلاً داده شده باشد باز هم در عدم امکان محاسبه آن به نرخ روز تأثیری نخواهد داشت. توجیه حقوقی مسأله نیز گذشته از ظهور مواد مستند تقویم مهریه به نرخ روز، می‌تواند تمسک به قاعده اقدام باشد؛ به این معنا که زوجه با اقدام به دریافت همان مبلغ اسمی مهریه‌ای که به وجه رایج بوده عملاً بر ضرر خود عمل کرده و دیگر کاهش ارزش واقعی آن مبلغ، مضمون نخواهد بود و گویی در حکم موردی است که زوجین مطابق ذیل تبصره ماده ۱۰۸۲ تراضی برخلاف کرده باشند. با این وصف در جایی که زوجه پس از لازم الاجرا شدن قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ ق.م. جاهل به چنین تمهیدی بوده، بویژه با عنایت به مبنای حقوقی تقویم که همانا کشف ارزش واقعی مهریه قراردادی است، تمسک به توجیه فوق چندان موجه نمی‌نماید و به مانند حالتی است که دائن به تمام طلب خود دست نیافته است. البته جلوگیری از به جریان افتادن سیل پرونده‌های مختومه مصلحتی است که به طور قطع بر رعایت لوازم مبنای نظری مسأله ترجیح دارد.

درمقام تبیین بیشتر این شرط باید اضافه کنیم که مجرد نپرداختن مهریه به زوجه برای



تحقق شرط مورد بحث کافی است و رعایت قیود مقرر در ماده ۵۲۲ق.آ.د.م. جدید که به دیون ریالی غیر از مهریه اختصاص دارد، مانند مطالبه دائن، تمکن مدیون و تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه، برای تقویم مهریه به نرخ روز الزامی نیست. با این حال درست است که زوجه به مطالبه مهریه خود در اولین زمان ممکن مکلف نیست و سبقت نجستن او در طرح این درخواست به معنای انصراف وی در برآورد مهریه‌اش به نرخ روز نیست، اما اگر زوج بخواهد پیش از درخواست زن به میل خود مهریه زوجه را بدهد زوجه نمی‌تواند از قبول آن خودداری کند و الاً زوج می‌تواند مطابق ماده ۲۷۳ق.م. مهریه را در صندوق دادگستری تودیع کند و پس از آن، دیگر زوجه نمی‌تواند سالها بعد، خواهان وصول مهریه به نرخ روز گردد؛ چرا که مهریه قبلاً ادا شده است. به نظر می‌رسد از آنجا که به تجویز ماده ۲۶۷ق.م. ایفای دین از جانب غیر مدیون هم معتبر است چنانچه ثالثی غیر از زوج (مدیون) بخواهد دین (مهریه) را پیش از مطالبه زوجه بدهد همین مطلب جاری خواهد بود. البته اگر برای پرداخت تمام مهریه، اجل، به نحو قید تعهد معین گردد طرفین به حکم ماده ۲۲۰ق.م. به رعایت مدت تعیین شده مکلفند و لذا اگر زوج بخواهد زودتر از موعد، مهریه را بپردازد زن حق دارد از قبول آن امتناع ورزیده، در سررسید، مهریه را به نرخ روز درخواست کند. در فرضی هم که اجل، معین نشده، ولی طرفین توافق کرده باشند که اختیار تعیین زمان تأدیه مهر با زوجه باشد، چنانچه زوج بخواهد بدون درخواست زوجه این مهریه را ادا کند زوجه می‌تواند از قبول آن امتناع ورزد. البته به نظر می‌رسد ذکر کلمه «عند المطالبه» در عقدنامه‌هایی که مهریه آن دین و از نوع وجه رایج است، «قید» تأدیه به شمار نمی‌آید و نمی‌توان گفت طرفین توافق کرده‌اند اختیار تعیین زمان تأدیه با زوجه باشد، همان‌طور که آوردن کلمه «عند القدره و الاستطاعه» همین معنا را می‌رساند. به بیان دیگر، این عبارات حیث تعلیلی تعهدند، نه حیث تقییدی آن و لذا در این حالت، زوج بدون مطالبه زوجه نیز می‌تواند مهریه را پرداخته، زمه خود را از این دین فارغ سازد، بدون آنکه امتناع زوجه از دریافت مؤثر باشد. همچنین اگر اجل تنها به سود مدیون یعنی زوج باشد، نه زوجین، ولی همچنان قید باشد، بعید است که بتوان با قیاس مطلب با باب شروط و امکان صرف نظر کردن یک جانبه مشروط له از شرط اظهار داشت: زوج می‌تواند علی رغم میل زوجه، مبادرت به تأدیه مهریه کند، بدون آنکه زوجه مجاز در امتناع از قبول آن باشد؛ زیرا اگر شرط هم به نحو قید لحاظ شود، حتی تخلف از آن، بطلان توافق اصلی را به دنبال دارد، نه خیال تخلف شرط را تا چه رسد به اینکه مشروط له بتواند یکطرفه از آن طرف نظر کند. به نظر می‌رسد تنها در مواردی که شرط و اجل به عنوان

حیث تعلیلی، نه تقییدی تعهد مطرحند بتوان گفت کسی که شرط یا اجل به نفع او است می‌تواند یک طرفه از آن صرف نظر کرده، فوراً مبادرت به ادای دین خود کند، بدون آنکه طرف دیگر بتواند از قبول آن خودداری ورزد.

مطالب فوق ناظر به موردی بود که برای تمام مهریه اجل قرار داده شده، ولی با مقایسه، می‌توان حکم موردی را که برای قسمتی از مهریه، مدت ذکر شده به‌دست آورد (ماده ۱۰۸۳ ق.م.). سؤال قابل ذکر در هر دو مورد آن است که برای تقویم مهریه به نرخ روز در مورد مهریه موجد، شاخص کدام سال ملاک خواهد بود: سال سررسید یا سال وقوع عقد؟ آنچه در متن تبصره ماده ۱۰۸۲ و ماده ۱ آیین نامه اجرایی آن آمده تنها شاخص سال زمان عقد است و از این لحاظ، مواد فوق اطلاق دارند. مع هذا به لحاظ تحلیلی گفته شده است [۷۷]، صص ۲۰-۲۱] که در مورد مهریه مؤجل به جای شاخص سال وقوع عقد باید سال سررسید ملاک قرار گیرد.

آخرین شرط ماهوی قابل ذکر در باره مسأله که در متن تبصره ماده ۱۰۸۲ تصریح شده «فقدان تراضی بر خلاف است»؛ یعنی زوجین نباید در ضمن عقد نکاح، شرط کرده باشند مهریه ایشان به نرخ روز محاسبه نگردد. از همین جا به دست می‌آید که محاسبه مهریه به نرخ روز از قواعد غیر آمره بوده، توافق برخلاف آن جایز است. با عنایت به مبنای نظری بحث نیز شاید بتوان گفت تراضی مزبور در حکم تراضی بر اسقاط بخشی از مهریه است. با این وصف، اسقاط بخشی از مهریه اگر در قالب ایقاع و از طریق ابرا تصویر شود، جای این ایراد وجود دارد که انشای ایقاع به توافق دو طرف نیاز ندارد، بلکه با اراده یک طرف (دائن = زوجه) واقع می‌گردد! لکن باید گفت توافق مزبور مانع به وجود آمدن مقتضی احتساب مهریه به نرخ روز است، نه سبب اسقاط مهریه‌ای که از قبل مطابق نرخ روز به ذمه مدیون آمده است.

همچنین در جایی که در مقام تعیین مهر، ذکر مبلغ ریالی، عنوان مشیر به مهریه است، مبلغ ریالی فاقد موضوعیت است و لذا محاسبه آن به نرخ روز منتفی است. بنابراین اگر مثلاً گفته شود: «مهریه ۱۴ عدد سکه بهار آزادی، معادل یک میلیون تومان وجه رایج ایران» باید گفت: مهر واقعی همان ۱۴ عدد سکه بهار آزادی است، نه وجه نقد و بنابراین قابل محاسبه به نرخ روز نخواهد بود. اما اگر احراز شود آنچه موضوعیت دارد، وجه نقد است نه کالایی که در مهریه آمده است، مهریه به نرخ روز محاسبه می‌شود.



۴-۲- شرایط شکلی تقویم مهریه به نرخ روز

مقصود ما از شرایط شکلی، اموری است که در اصل استحقاق زوجه و تکلیف زوج، نسبت به مطالبه و پرداخت مهریه به نرخ روز، تأثیری ندارد، ولی در به جریان افتادن دادرسی و تشریفات مربوط به آن دخالت دارد.

می‌دانیم که در دادرسیهای حقوقی، لزوم تقدیم دادخواست به مرجع صالح از جمله شرایط به جریان افتادن رسیدگی قضایی است. با این حال در تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م. نامی از مرجع صالح برای تقویم مهریه به نرخ روز به میان نیامده است؛ ولی در ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی آن از عبارت «مرجع صالح» استفاده شده است؛ از مفاده ماده ۵ آیین‌نامه مزبور نیز استفاده می‌شود که این مرجع حسب مورد می‌تواند دادگاه یا اداره ثبت باشد. البته وصول مهریه از طریق اجرای اسناد اداره ثبت، تابع مقررات حاکم بر اجرای اسناد رسمی است و به ازدواجهایی اختصاص دارد که در مورد آن، سند رسمی نکاح تنظیم شده باشد. تا پیش از تصویب مواد ۵۱۳ تا ۵۲۷ ق.آ.د.م. جدید و یکسان شدن مصادیق مستثنیات دین در شعب اجرای احکام دادگستری و دوائر اجرای اسناد اداره ثبت، یکی از دلایل عمده مراجعه به دادگستری به جای اجرای ثبت برای وصول مهریه، امکان رسیدن به مهریه از طریق فروش منزل مسکونی زوج و عدم امکان آن از طریق اجرای ثبت بود. از طرفی نیز در بند ۲ و ۳ ماده واحده «قانون اختصاص تعدادی از دادگاههای موجود به دادگاههای موضوع اصل ۲۱ ق.ا. (دادگاه خانواده)» مصوب ۱۳۷۶/۵/۸ رسیدگی به دعاوی مربوط به طلاق و مانند آن و نیز دعاوی مربوط به مهریه در حیطه صلاحیت اختصاصی دادگاه خانواده قرار گرفته است. دادگاه خانواده نیز در واقع یکی از شعب دادگاههای عمومی است که اختصاصاً به موارد سیزده‌گانه مذکور در قانون اخیر رسیدگی می‌کند. در حوزه‌های بخش نیز به حکم تبصره ۲ ماده واحده یاد شده، دادگاه عمومی بخش قائم مقام دادگاه خانواده خواهد بود.

به‌طور معمول، مطالبه مهریه از طریق مراجعه به دادگاه خانواده یا به‌طور مستقل و با تقدیم دادخواست «مطالبه مهریه» انجام می‌پذیرد یا به تبع دادخواست «طلاق» (صدور گواهی عدم امکان سازش، صدور اجازه طلاق) که در صورت اخیر، به موجب تبصره ۳ ماده واحده «قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق» سال ۱۳۷۱ اجرای صیغه طلاق منوط به تأدیه حقوق زوجه از جمله مهریه وی است. حال چنانچه دادخواست مطالبه مهریه، بدون اشاره به لزوم محاسبه آن به نرخ روز تقدیم دادگاه شده باشد آیا دادگاه در مقام رسیدگی و انشای رأی،

مهریه را به نرخ روز محاسبه و مورد حکم قرار می‌دهد یا آنکه مهریه را بدون محاسبه به نرخ روز مورد توجه قرار خواهد داد؟

در پاسخ می‌توان گفت: تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م. تنها از اصل امکان محاسبه مهریه به نرخ روز سخن گفته است، ولی در ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی آن، همسو با قواعد پذیرفته شده در امر دادرسی، آمده است که مرجع صالح بنا به درخواست هر یک از زوجین، میزان مهریه را به نرخ روز محاسبه و تعیین می‌کند که ظهور در این دارد که متعلق این درخواست، تقویم مهریه به نرخ روز است، نه مطالبه اصل مهریه. در ماده ۵ آیین‌نامه نیز اصل موظف بودن مراجع صالح به رعایت فرمول قانونی حاکم بر مسأله مطرح شده است و بس! با این حال ماده ۷ آیین‌نامه یاد شده به‌طور صریح، دادگاه را در صورتی که زوج تقاضای صدور اجازه طلاق کند به تعیین مهریه براساس نرخ روز مکلف ساخته که بر اساس اطلاق آن، موردی را که زوج درخواست طلاق دارد، ولی محاسبه به نرخ روز را تقاضا نکرده، شامل می‌گردد. از جمع مواد یاد شده می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که چون دادگاه، تنها حق دارد در حدود خواسته دعوا وارد رسیدگی شود و نمی‌تواند از پیش خود آن را کم یا زیاد کند و لذا جز در موردی که زوج، خواهان طلاق است در سایر موارد و از جمله تقدیم دادخواست مستقل مطالبه مهریه، دادگاه زمانی مجاز به احتساب مهریه به نرخ روز است که تقویم آن به نرخ روز درخواست شده باشد. این استنتاج اگر چه مطابق ظواهر مواد قانونی مطرح در مسأله است، ولی با مبنای نظری تقویم مهریه به نرخ روز که مهریه به نرخ روز در آمده را همان مهریه مندرج در عقد می‌داند سازگاری ندارد؛ بلکه مطابق مبنای مزبور، مجرد تقدیم دادخواست مهریه یا طلاق کافی است تا دادگاه حسب مورد به صدور حکم به پرداخت مهریه به نرخ روز یا صدور حکم گواهی عدم امکان سازش پس از تعیین تکلیف نسبت به مهریه مطابق نرخ روز، مکلف گردد.

در مورد دادخواستهای غیر طلاق و غیر مطالبه مهریه، مانند دادخواست اعلام فسخ نکاح و مانند آن، نظر به وحدت ملاک مذکور، در مقررات یاد شده می‌توان همین مطالب را در خصوص محاسبه مهریه به نرخ روز یادآور شد.

همین جا باید خاطر نشان کرد که ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی مورد بحث که ترتیبات هزینه دادرسی و ابطال تمبر مربوط به مهریه و ما به التفاوت به نرخ روز در آمده آن را مشخص می‌کرد به موجب رأی شماره هـ ۷۷/۱۷۷ مورخ ۱۳۷۸/۸/۲۰ هیأت عمومی دیوان عدالت



اداری، ابطال گردید و مقررات عمومی مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی حاکم بر مسأله شناخته شد [۷۱۵-۷۱۷] .

۵- نحوه تقویم مهریه به نرخ روز

مطابق تبصره ماده ۱۰۸۲ق.م. از اصل رعایت تناسب میان تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد، برای تقویم مهریه به نرخ روز سخن به میان آمده است؛ اما نحوه اجرای این اصل مطابق ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون یاد شده، در قالب فرمول آتی پیش بینی گردیده است : متوسط شاخص بها در سال قبل تقسیم بر متوسط شاخص بها در سال عقد ضرب در مهر المسمی. به عنوان مثال، اگر مهریه خانمی که در سال ۱۳۵۸ ازدواج کرده ۱۰۰۰۰ تومان باشد و بخواهد در سال ۱۳۸۳ مهریه خود را به نرخ روز مطالبه کند، باید او را مستحق حدود ۸۲۰۰۰۰ تومان به عنوان مهریه دانست:

$$\frac{۲۳۸/۱۸ \text{ (شاخص بها در سال ۸۲)}}{۲/۹۱ \text{ (شاخص بها در سال ۵۸)}} \times ۱۰۰۰۰ = ۸۱۸۴۸۸ \text{ (مهر المسمی)}$$

نکته‌ای که همین جا به ذهن می‌رسد این است که چرا ماده ۲ آیین نامه با اصل قانون در خصوص تعیین سال قبل به جای سال تأدیه سازگاری ندارد؟ پاسخ آن است که متوسط شاخص بها در هر سال در سال بعد تعیین و اعلام می‌شود و از این رو، اگر در آیین نامه به جای سال قبل، سال تأدیه در نظر گرفته می‌شد حتی با فرض انطباق سال مطالبه و صدور حکم با سال تأدیه، چون شاخص سال تأدیه هنوز از سوی بانک مرکزی تعیین و اعلام نشده بود، محاسبه مهریه به نرخ روز امکان پذیر نمی بود . با این حال باید توجه داشت که حسب قاعده حقوقی لزوم سازگاری آیین نامه با اصل قانون مربوط و با عنایت به مبنای نظری مسأله در مورد دادخواست مطالبه مهریه‌ای که مثلاً در سال ۱۳۸۰ به رأی رسیده و مطابق شاخص سال ۱۳۷۹ به نرخ روز محاسبه شده باید این امکان وجود داشته باشد که زوجه در سال ۱۳۸۱، بتواند وفق شاخص سال ۱۳۸۰، مابه التفاوت این یک سال را نیز از دادگاه درخواست کند.

همچنین به موجب ماده ۳ آیین نامه اجرایی مورد بحث، در مورد زوج متوفی، به جای شاخص سال تأدیه یا سال قبل، شاخص سال فوت ملاک محاسبه واقع شده است. گفته شده

که این تفاوت بر خلاف اطلاق تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م. است که به طور مطلق، شاخص سال تأدیه را ملاک قرار داده است و از این رو، قضات وفق اصل ۱۷۰ ق.ا. نباید به آن اعتنا کنند و حتی ابطال ماده ۳ آیین نامه از طریق دیوان عدالت اداری امکانپذیر است [۴۷، ص ۲۰-۲۱].

در مورد نکات فنی که به ابلاغ فرمول یاد شده می‌انجامد و اینکه فرمول مزبور تا چه اندازه گویای قدرت خرید و ارزش واقعی پول است، کارشناسان اقتصادی باید اظهار نظر کنند، ولی باید به سرّ متفاوت بودن اعداد شاخص اعلامی در بعضی مجله‌های حقوقی و یا مجموعه‌های قوانین با آنچه در سال جاری (۱۳۸۳) در محاکم ملاک عمل است اشاره کنیم.

نکته این تفاوت در شیوه استخراج عدد شاخص قیمت و نقش قیمت سال پایه در این میان است. توضیح اینکه برای تعیین شاخص قیمت، قیمت سال مورد محاسبه بر قیمت سال پایه تقسیم می‌شود. در جدولی که در حال حاضر مورد استفاده نیست [۴۸، ص ۸۳] سال ۱۳۶۹ به عنوان سال پایه در نظر گرفته شده، در حالی که در جدول زیر، سال ۱۳۷۶ سال پایه تعیین گردیده است. روشن است با تغییر سال پایه و عدد مبنا، شاخص قیمت در تمام سالهای مورد محاسبه تغییر می‌یابد. البته تغییر یافتن سال‌های پایه، متأثر از داده‌های اقتصادی ویژه، از جمله رشد واقعی اقتصادی کشور است که بررسی آن از تخصص نگارنده خارج است. به دلیل ضرورت در اختیار داشتن اعداد شاخص برای محاسبه مهریه به نرخ روز و عدم درج یک جدول کامل در مجموعه‌های منتشر شده، جدولی را که در حال حاضر (سال ۱۳۸۳) ملاک عمل محاکم است ذیلاً معرفی می‌کنیم [۴۹].

جدول ۱ تأمین شاخص بها

سال	عدد شاخص	سال	عدد شاخص	سال	عدد شاخص	سال	عدد شاخص
۱۳۱۵	۰/۰۵	۱۳۲۲	۰/۵۳	۱۳۴۹	۱/۰۳	۱۳۶۶	۱۱/۲۶
۱۳۱۶	۰/۰۷	۱۳۲۳	۰/۶۲	۱۳۵۰	۱/۰۹	۱۳۶۷	۱۴/۵۲
۱۳۱۷	۰/۰۷	۱۳۲۴	۰/۶۳	۱۳۵۱	۱/۱۵	۱۳۶۸	۱۷/۰۵
۱۳۱۸	۰/۰۸	۱۳۲۵	۰/۶۸	۱۳۵۲	۱/۲۸	۱۳۶۹	۱۸/۵۸
۱۳۱۹	۰/۰۹	۱۳۲۶	۰/۷۱	۱۳۵۳	۱/۴۸	۱۳۷۰	۲۲/۴۳
۱۳۲۰	۰/۱۳	۱۳۲۷	۰/۷۲	۱۳۵۴	۱/۶۳	۱۳۷۱	۲۷/۹۰
۱۳۲۱	۰/۲۵	۱۳۲۸	۰/۸۱	۱۳۵۵	۱/۹۰	۱۳۷۲	۳۴/۲۶
۱۳۲۲	۰/۵۴	۱۳۲۹	۰/۸۸	۱۳۵۶	۲/۳۷	۱۳۷۳	۴۶/۳۲
۱۳۲۳	۰/۵۵	۱۳۴۰	۰/۸۹	۱۳۵۷	۲/۶۱	۱۳۷۴	۶۹/۱۹



ادامه جدول ۱

سال	عدد شاخص	سال	عدد شاخص	سال	عدد شاخص	سال	عدد شاخص
۱۳۲۴	-/۴۷	۱۳۴۱	۰/۹۰	۱۳۵۸	۲/۹۱	۱۳۷۵	۸۵/۲۶
۱۳۲۵	-/۴۲	۱۳۴۲	۰/۹۱	۱۳۵۹	۳/۵۹	۱۳۷۶	۱۰۰/۰۰
۱۳۲۶	-/۴۴	۱۳۴۳	۰/۹۵	۱۳۶۰	۴/۴۲	۱۳۷۷	۱۱۸/۰۸
۱۳۲۷	-/۴۹	۱۳۴۴	۰/۹۵	۱۳۶۱	۵/۲۶	۱۳۷۸	۱۴۱/۸۳
۱۳۲۸	-/۵۱	۱۳۴۵	۰/۹۶	۱۳۶۲	۶/۰۴	۱۳۷۹	۱۵۹/۷۱
۱۳۲۹	-/۴۲	۱۳۴۶	۰/۹۶	۱۳۶۳	۶/۱۷	۱۳۸۰	۱۷۷/۹۱
۱۳۳۰	-/۴۶	۱۳۴۷	۰/۹۸	۱۳۶۴	۷/۱۳	۱۳۸۱	۲۰۰/۹۸
۱۳۳۱	-/۴۹	۱۳۴۸	۱/۰۱	۱۳۶۵	۸/۸۲	۱۳۸۲	۲۳۸/۱۸
						۱۳۸۳	۲۷۴/۴۶

در هر حال به موجب تبصره ماده ۱۰۸۲ و ماده ۴ آیین نامه اجرایی آن، بانک مرکزی موظف است علاوه بر تعیین شاخص بهای سال قبل، شاخص بهای هر سال را نیز حداکثر تا پایان خرداد ماه (سال بعد) تهیه و به قوه قضاییه اعلام کند. بانک مرکزی نیز در راستای اجرای وظایف یاد شده، شاخص بها را از سال ۱۳۱۵ به بعد اعلام کرده و می‌کند؛ در حالی که در قوانین مورد اشاره، مبدئی برای انجام این مهم در نظر گرفته نشده است. به نظر می‌رسد وجه آغاز تعیین اعداد شاخص از سال ۱۳۱۵ این است که از سال ۱۳۷۶ (سال تصویب قانون تقویم مهریه به نرخ روز) اقامه دعوایی که تاریخ وقوع عقد آن قبل از سال ۱۳۱۵ باشد مستبعد است. همچنین ممکن است بعضی محظورات اقتصادی و از جمله نبود آمار قابل اعتماد تا پیش از سال ۱۳۱۵ علت این امر بوده باشد.

۶- نتیجه گیری

تقویم مهریه به نرخ روز، آن گونه که در تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی (مصوب ۱۳۷۶) پیش بینی شده در راستای جبران کاهش ارزش پول قابل ارزیابی است و بر این اساس استوار گردیده که عین وجه رایج و مقدار آن در زمان عقد نکاح به ذمه زوج نمی آید، بلکه اشتغال ذمه، معطوف به قدرت خریدی است که پول به عنوان یک امر اعتباری معرف آن است. از این رو، اگر توان خرید با گذشت زمان کاهش یابد، ذمه زوج فقط با پرداخت مبلغی از وجه رایج بری می‌شود که نشان دهنده همان میزان قدرت خرید است. اساس یاد شده با بهره

گیری از قالب «رعایت تغییر شاخص قیمت سالانه» و اعمال فرمولی ویژه، مهریه را قابل تقویم به نرخ روز ساخته است.

مطابق مقررات جاری، تنها مهریه‌ای می‌تواند به نرخ روز محاسبه شود که به ریال یا تومان باشد، در حالی که با قرار دادن مهریه به پولی غیر از کشور ایران، ماهیت اعتباری پول تغییر نمی‌کند. همچنین لازم است مهریه مسبوق به ادا نبوده، مهرالمسمی باشد. از این رو، سایر اقسام مهریه، مطابق ظواهر قانونی موجود، از چنین قابلیت برخوردار نیستند. البته امکان تقویم مهریه به نرخ روز اختصاص به عقد دائم ندارد و در عقد موقت هم راه دارد. نوع سبب انحلال نکاح نیز در جایی که مهریه تعیین شده قابل مطالبه است تأثیری در اصل تقویم ندارد، اگرچه بعضی از اسباب انحلال نکاح مانند فوت، می‌تواند در نحوه محاسبه موثر باشد. از آنجا که قانونگذار در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. (سال ۱۳۷۹) علی‌رغم حفظ قالب شاخص سالانه، با اضافه کردن چند قید، برای عموم دیون ریالی به‌گونه‌ای متفاوت با مهریه تعیین تکلیف کرده است، با تمسک به قاعده تخصیص، این تعارض بدوی قابل حل به نظر می‌رسد. با این حال لازم است قانونگذار شیوه‌ای واحد را برای جبران کاهش ارزش پول در تمام موارد آن اتخاذ کند.

۷- منابع

- [۱] روزنامه رسمی، ش ۱۵۲۶۲، مورخ ۱۳۷۶/۵/۵.
- [۲] روزنامه رسمی، ش ۱۵۲۸۷، مورخ ۱۳۷۶/۶/۳.
- [۳] مهر پور، ح، نشست علمی پیرامون تقویم مهریه به نرخ روز، دانشگاه قم، آذر ۱۳۷۶ (کاست، نزد نگارنده موجود است).
- [۴] مؤمن، م، نشست علمی پیرامون تقویم مهریه به نرخ روز، دانشگاه قم، آذر ۱۳۷۶ (کاست، نزد نگارنده موجود است).
- [۵] حر عاملی، م.ح، وسائل الشیعه (دوره ۲۰ جلدی)، چ ۶، المکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۱۲.
- [۶] هاشمی، س.م، «کاهش ارزش پول» فقه اهل بیت، س ۱، ش ۲، ۱۳۷۴.
- [۷] جمعی از فقها، «نظر خواهی از فقها پیرامون مسائل فقهی و حقوقی»، رهنمون، ش ۶، ۱۳۷۲.



- [۸] شهیدی، م.، سقوط تعهدات، چ ۱، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۶۸.
- [۹] فاضل، م.، جامع المسائل، بی تا، قم، ۱۳۷۷، ج ۱.
- [۱۰] صانعی، ی.، مجمع المسائل، چ ۱، انتشارات میثم تمار، قم، ۱۳۷۶.
- [۱۱] منتظری، ح.ع.، رساله استفتائات، چ ۲، نشر تفکر، قم، ۱۳۷۳.
- [۱۲] اراکی، م.ع.، استفتائات، چ ۱، نشر معروف، قم، ۱۳۷۳.
- [۱۳] جعفری لنگرودی، م.ج.، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چ ۱، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸.
- [۱۴] دانشنامه حقوقی، چ ۳، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۷۲.
- [۱۵] امامی، ح.، حقوق مدنی، چ ۱۶، کتابفروشی اسلامیة، تهران ۱۳۷۵.
- [۱۶] کاتوزیان، ن.، قواعد عمومی قراردادها، چ ۱، انتشارات بهنشر، تهران، ۱۳۶۸.
- [۱۷] صفایی، ح.، دوره مقدماتی حقوق مدنی، مؤسسه عالی حسابداری، تهران، ۱۳۵۱.
- [۱۸] کاتوزیان، ن.، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چ ۲، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۷۷.
- [۱۹] جعفری لنگرودی، م.ج.، مجموعه محشی قانون مدنی، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۹.
- [۲۰] حائری شاه باغ، ع.، شرح قانون مدنی، چ ۱، کتابخانه گنج دانش، تهران (با ویرایش جدید) ۱۳۷۶.
- [۲۱] کاتوزیان، ن.، مقدمه علم حقوق، چ ۱۲، بهنشر، تهران، ۱۳۸۰.
- [۲۲] زراعت، ع.، آیین دادرسی دادگاههای عمومی انقلاب در امور مدنی، چ ۱، خط سوم، تهران، ۱۳۷۹.
- [۲۳] مجموعه قوانین سال ۱۳۷۶، روزنامه رسمی ج.ا.، تهران، ۱۳۷۷.
- [۲۴] شفیعی سروستانی، ا.، فقه و قانونگذاری، موسسه فرهنگی طه، قم، ۱۳۸۰.
- [۲۵] مجموعه قوانین سال ۱۳۶۹، روزنامه رسمی ج.ا.، تهران، ۱۳۷۰.
- [۲۶] مجموعه قوانین سال ۱۳۷۷، روزنامه رسمی ج.ا.، تهران، ۱۳۷۸.
- [۲۷] مجموعه قوانین سال ۱۳۷۲، روزنامه رسمی ج.ا.، تهران، ۱۳۷۳.
- [۲۸] شمس، ع.، آیین دادرسی مدنی، چ ۱، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۰.
- [۲۹] کاتوزیان، ن.، قواعد عمومی قراردادها، چ ۲، انتشارات بهنشر، تهران، ۱۳۶۹.
- [۳۰] مجموعه قوانین سال ۱۳۶۲، روزنامه رسمی ج.ا.، تهران، ۱۳۶۳.
- [۳۱] آیه... بهجت (پاسخ کتبی دفتر معظم له که مهور می باشد نزد نگارنده موجود است).

- [۳۲] آیه‌آ... سیستانی (پاسخ کتبی دفتر معظم له که مه‌هور می‌باشد نزد نگارنده موجود است).
- [۳۳] مصاحبه با حضرت آیه‌آ... رضوانی (عضو محترم فقهای شورای نگهبان) پیرامون بانکداری اسلامی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران، بی تا.
- [۳۴] خراسانی، م.ک.، کفایة الاصول، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۰۹ ه.ق.
- [۳۵] حائری یزدی، ع.، دررالفوائد، چاپ خانه مهر، قم، بی تا.
- [۳۶] مظفر، م.ر.، اصول الفقه، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، بی تا.
- [۳۷] هاشمی شاهرودی، ع.، در اسات فی العلم الاصول (تقریر درس آیه‌آ... خویی)، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، قم، ۱۴۱۹ ه.ق، ج ۱.
- [۳۸] دولت آبادی، ن.، «عام موخر از خاص»، مجله تحقیقات حقوق دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، دوره دوم ش ۲۰، س ۱۳۶۵.
- [۳۹] کاتوزیان، ن.، حقوق خانواده، ج ۳، شرکت انتشار، تهران، ۱۳۷۱.
- [۴۰] محقق داماد، م.، بررسی فقهی حقوق خانواده، نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۳۶۵.
- [۴۱] (امام) خمینی، ر.، تحریر الوسیله، ج ۴، مکتبه الاعتماد، تهران، ۱۴۰۳ ه.ق.
- [۴۲] جبعی عاملی، ز.، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، مکتبه آیه‌آ... مرعشی نجفی، قم، بی تا.
- [۴۳] نظری، ا.، «تقویم مهریه به نرخ روز» ندای صادق، ش ۱۳، ۱۳۷۸.
- [۴۴] «نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی» مجله حقوقی دادگستری، ش ۲۶، ۱۳۷۸.
- [۴۵] مجموعه قوانین سال ۱۳۷۸، روزنامه رسمی ج ۱، تهران، ۱۳۷۹.
- [۴۶] حبیبی تبار، ج.، گام به گام با حقوق خانواده، نشر خرم، قم، ۱۳۸۰.
- [۴۷] کریمی، ع.، «مهریه به نرخ روز»، ماهنامه حقوق و اجتماع، ش ۸، ۱۳۷۷.
- [۴۸] ماهنامه دادرسی، س ۳، ش ۱۸، ۱۳۷۸.
- [۴۹] مجموعه قانون مدنی، ج ۴، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات نهاد ریاست جمهوری تهران، ۱۳۸۱. (اعداد مربوط به سالهای ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ از روی ابلاغیه بانک مرکزی موجود در دفتر ریاست دادگاه خانواده استان قم - بدون شماره و تاریخ - استخراج شده است).